

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْبَيْتِ اَرْبَعِ عَشْرَةَ وَمِائَةً

به اسم الله رحمان رحيم

الْحَمَّصَ ① كِتَابٌ اُنزِلَ اِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ

الْحَمَّصَ * كتابيست نازل شده بر تو تا نباشد در صدر تو حرجی

مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ② اَتَّبِعُوا مَا اُنزِلَ

در آن، تا اخطار دهی به آن و ذکر باشد برای مؤمنین * کنیدمتابعت آنچه شد نازل

(١) صدرتو: سینه تو،

إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مِمَّا

بشما از رب شما و نکنید متابعت بدون وی اولیائی. قلیلاً میشوید

تَذَكَّرُونَ^۳ وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فِجَاءَهَا بِأَسْنَابِيَّتَاوُ

متذکر * و بسا از قریه هارا کردیم هلاک، آمد بر آن عذاب ما شبانگاه یا

هُمْ قَائِلُونَ^۴ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَابِيَّتَاوُ

بودند قائل^۱ * باز نبود دعای آنها، وقتی آمد بر آنها عذاب ما إلا که

(۱) قائل: معترف، معتقد، دارای امتیاز، آنکه در نیم روز بخواب است.

قَالُوا إِنَّا كُنتُمْ ظَالِمِينَ ﴿٥﴾ فَلَسَّعَلَى الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ

گفتند ما بودیم ظالمین * باز میکنیم سؤال از آنانکه ارسال شد برای آنها و

لَسَّعَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَكُنَّا

می کنیم سؤال از مرسلین * باز میکنیم قصه به آنها علماً و نیستیم

غَائِبِينَ ﴿٧﴾ وَالْوُزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

غائبین * و میزان آنروزست حق. هر که ثقلت کرد موازین او

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْبُقُلِحُونَ^۸ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ

باز آنها میباشد فلاح یافتگان * و هر که خفت کرد موازین او باز آنها اند

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ^۹ وَ

که خساره کردند بنفسهای خود چون همواره با آیات ما میکردند ظلم * و

لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا

دادیم مکان بشما در زمین و ساختیم بشما آنجا معیشت. قلیلاً

مَّا تَشْكُرُونَ^٤ ۱۰ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا

میکنید شکر * و کردیم خلق شمارا باز صورت دادیم شمارا^۱ باز گفتیم

لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدْ وَإِلَادِمَ^٥ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ^٦ لَمْ يَكُنْ مِنْ

ملائک را سجده کنید به آدم. سجده کردند الا ابلیس. نه گردید از

السَّاجِدِينَ^{۱۱} ۱۱ قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ^٧ قَالَ أَنَا خَيْرٌ

ساجدین * گفت چه شد مانعت که نکردی سجده وقتی امر کردم ترا. گفت منم بهتر

(۱) همه بشر در خلقت حضرت آدم (ع) شامل است.

مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ

ازوی. خلق کردی مرا از آتش و خلق کردی او را از خاک * گفت پس پائین شو

مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ

از آنجا چون نبایست ترا که کنی تکبر آنجا، بشو خارج توئی از

الصُّغْرَيْنِ ﴿١٣﴾ قَالَ انظُرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ

صاغران * گفت مهلت ده مرا الی روزیکه شوند بعث * گفت توئی

مِنَ الْبُظُرِينَ ۱۵ قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ

از مهلت داده شدگان * گفت چون کردی اغوا مرا می نشینم برایشان برصراط تو

الْمُسْتَقِيمَ ۱۶ ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ

که مستقیم است * باز می آیم بر آنها از بین دستهای آنها و از خلف آنها

وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۱۷

و از راست آنها و از چپ آنها. و نمی یابی اکثر آنها را شاکرین *

قَالَ اخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ

گفت خارج شو از آنجا مدموم و مدحور^۱. هر که تابع تو شد از آنها میکنم ملاء

جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ^{۱۸} وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

جهنم را از شما جمعاً * و یا آدم مسکن گیر تو و زوجه در جنت

فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا

بخورید از هر آنچه میخواهید و نشوید قریب باین شجره که میشوید

(۱) مدموم و مدحور: مذمت شده و مردود.

مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا

از ظالمین * کرد وسوسه به آنها شیطان تا کند آشکار به آنها آنچه

وَرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَؤَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نُمَكِّدُكُمْ بَعْضُكُمْ لِهَذَا

پنهان بود از آنها از شرم گاه هایشان و گفت نکرد منع شمارا رب شما از این

الشَّجَرَةَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونُوا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَ

شجره الا که شوید دو ملک یا شوید از خلد کنندگان * و

قَاسَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۳۱﴾ فَذَلَّلَهُمَا بَغْرُورٍ فَلَهُمَا

قسم کرد برایشان منم بشما از نصیحت کنندگان * کرد دلالت آنها را بغرور. و چون

ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفْنَ عَلَيْهَا

ذائقه کردند شجره^۱ را، آشکارا شد به آنها شرمگاه آنها، و شروع کردند بدوختن بر خویش

مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۖ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ

از ورق جنت. و ندا کرد هر دو را رب آنها "آیا نکرده بودم نهی شمارا از این

(۱) شجره: درخت. [شجره شهوت، شجره خیر و شر، شجره قدرت طلبی، شجره حیات جاویدان وغیره]

الشَّجَرَةَ وَقُلْ لَّكُمُ الْإِنِّ الشَّيْطَانَ لَكُمُ الْعَدُوِّ وَمُبِينٌ ﴿٢٢﴾ قَالَ

شجره و گفتم بشما که هست شیطان بشما دشمن مبین * گفتند

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

رب ما ظلم کردیم بنفسهای خود. و اگر نکنی مغفرت مارا و رحم بر ما می گردیم از

الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي

خساره مندان * گفت بروید پائین بعض شما بعضی را دشمن. و برای شماست در

الْأَرْضِ مُسْتَقَرًّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ

زمین مستقر و متاع برای مدتی * گفت آنجا می‌کنید حیات و

فِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يٰبَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ

آنجا می‌میرید و از آنجا می‌شوید خارج * یا بنی آدم بس نازل کردیم بر شما

لِبَاسٍ لِّيَوْمٍ سَوَاتِكُمْ وَّرِيْشًا وَّلِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذٰلِكَ خَيْرٌ

لباسی که بپوشاند شرم‌گاہ شمارا و آرایش. و لباس تقوا، آنست بهتر.

ذٰلِكَ مِنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَدْکُرُوْنَ ﴿۲۶﴾ یٰبَنِیٓ اٰدَمَ لَا یَفْتِنٰکُمْ

اینست از آیات الله تا شما شوید متذکر * یا بنی آدم نیاگزید بفتنه شمارا

الشَّیْطٰنُ کَمَا اَخْرَجَ اَبَوٰیْکُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ یَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسًا

شیطان طوریکه خارج کرد والدین شمارا از جنت، نزع کرد^۱ از آنها لباس آنها را

لِیُرِیَهُمَا سَوْاٰتِهِمَا ۗ اِنَّهٗ یُرِکُمْ هُوَ وَقَبِیْلَهٗ مِنْ جَاہِلِیَّتِکُمْ لَا تَرٰوْنٰہُمْ

تا مرئی سازد شرم گاه آنها را. او می بیند شمارا، او و قبیله او از آنجا که نمی بینید آنها را.

(۱) نزع کرد: کشید، دور کرد، بیرون آورد.

إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا

یقیناً ما ساختیم شیاطین را اولیاء بکسانیکه ندارند ایمان* و چون فعل کنند

فَاحْشَاءَ قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ

بفحاشی گویند یافتیم بر آن پدران خود را و الله امر کرده بر ما آنرا. بگو یقیناً

اللَّهُ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

الله نکند امر بفحاشی. آیا میگوئید بر الله آنچه ندارید علم*

قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ

بگو امر کرد ربم برانصاف. و قایم کنید روهای خود را در کل مساجد^۱

وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾

و کنید دعا به او مخلصین بوده به او بدین. طوریکه بدو کرد شمارا میدهد عودت.*

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا

فریقه هدایت و فریقه حق است بر آنها گمراهی. همین ها کردند اتخاذ

(۱) در کل مسجد: در هر زمان و مکان سجده.

الشَّيْطَانِ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّكُمْ تُهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

شیاطین را اولیاء خود بجای الله و میکنند حساب که آنها اند بهدایت *

يَبْنِي أَدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

یا بنی آدم اخذ کنید زینت خود را در هر مسجد^۱ و بخورید و شرب کنید

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ

و نکنید اسراف. یقیناً او ندارد حب به اسراف کنندگان * بگو کی حرام کرد زینت الله را

(۱) مسجد: محل نماز، وقت نماز و خود نماز.

الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ^ط قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ

که اخراج کرده برای عباد خود و پاکی های از رزق را. بگو هست برای کسان

أَمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ^ط كَذَلِكَ نَفْصَلُ

ایمان دار در حیات دنیا، خالصتاً یوم قیامت. چنین دهیم تفصیل

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ^{۳۲} قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا

آیات را بقومی که دارند علم * بگو یقیناً کرد حرام ربم فواحش را آنچه

ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا

ظاهر از آن و آنچه باطن، و گناه را و بغاوت را بغیر حق و آنکه کنید شرک

بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۚ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا

با الله آنچه نکرده نازل بر آن حتی و آنکه بگوئید بر الله آنچه

لَا تَعْلَمُونَ^{۳۳} ۚ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ

ندارید علم * و بکل امتهاست اجلی. پس وقتی آمد اجل آنها نتوان تأخیرش دهند

سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ ﴿٣٤﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ رَسُولٌ مِّنكُمْ

ساعتی و نتوان مقدمش آرند * یا بنی آدم هرگاه بیاید برای شما رُسل شما

يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَأَمَّا لِمَا كَفَرْتُمْ فَمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ

کنند قصه برای شما آیات مرا پس هر که کرد تقوا و شد اصلاح باز نیست خوف بر آنها

وَأَمَّا لِمَا كَفَرْتُمْ فَمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا

و نه آنها کنند حزن * و آنانکه تکذیب کردند آیات ما را و تکبر کردند بر آن

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۶﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى

آنها اند اصحاب آتش. آنها همانجا میکنند خلد * کیست ظالم تر از آنکه افترا کند

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ أُولَئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُم مِّن

بر الله کذب یا تکذیب کند آیات اورا. برای آنها میکنیم نایل نصیبه آنها را از

الْكِتَابِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا آئِن مَّا كُنْتُمْ

کتاب. حتی که بیاید به آنها رُسل ما، دهدوفات آنها را، گویند کجاست آنچه شما

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيَّ

میکردید دعا بجای الله. میگویند "گم شدند از ما" و شهادت میدهند بر

أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ

نفسهای خود که آنها بودند کافران * میگوید داخل شوید در امتهای که گذشتند

مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ

از قبل شما از جن و انس در آتش. هرگاه داخل شود امتی لعنت کند

أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا ۖ قَالَتْ أُخْرِبُهُمْ وَلَا أُؤَلِّمُهُمْ رَبَّنَا

بخواهرش. ^۱ حتی که برسند آنجا جمیعاً گوید آخری آنها به اولی آنها رب ما

هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَاتِهِمْ عَذَابًا ۖ ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۗ قَالَ لِكُلِّ

اینها کردگمراه مارا بدهید آنها را عذاب دوچند از آتش. میگوید برای کل

ضِعْفٌ ۗ وَلَٰكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۸﴾ وَقَالَتْ أُؤَلِّمُهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ

دوچند است و لاکن ندارند علم * و میگوید اولی آنها به آخری آنها ندارید

(۱) بخواهرش: به هم جنسش، به هم نوعش

لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٤٩﴾

شما بر ما کدام فضیلتی پس ذائقه کنید عذاب را بسبب آنچه کرده بودید کسب *

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّرُ لَهُمْ أَبْوَابُ

یقیناً آنانکه تکذیب کردند بر آیات ما و تکبر کردند بر آن، نشود باز به آنها ابواب

السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ط

سما و نشوند داخل بهجت حتی کند گذر جمل^۱ در نافه سوزن.

(۱) جمل: شتر، رسمان تاب خورده.

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ

و'هكذا دهیم جزا بمجرمین * برای آنهاست از جهنم مهدی و بر

فَوْقَهُمْ غَوَاشٍ ۙ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا

فوق آنهاست غواش^۱. و'هكذا دهیم جزا بظالمین * و کسان با ایمان

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ

و اعمال صالح را، نسازیم مکلف نفسی را إلا بقدر وسع او، آنها اند اصحاب

(۱) غواش: غشاء ها، پرده های عذاب یکی بالای دیگری.

الْجَنَّةُ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ

جنت. آنها آنجا خلد کنند * و نزع میکنیم آنچه در سینه های آنهاست از

غِلِّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

غِل و غش، میکند جریان از تحت آنها انهار. و میگویند الحمد لله بذاتیکه

هَدَانَا هَذَا وَقَالُوا لَوْلَا أَن هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ

هدایت کرد مارا براین. ونمی شدیم هدایت اگر نمیکرد هدایت مارا الله. یقیناً آمد

رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا

رُسُل رب ما برحق. و ندا شوند که "اینست جنت شما، میشوید وارث آن قرار آنچه

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ

بودید عمل کنندگان" * و ندا کنند اصحاب جنت به اصحاب آتش که البته

وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ

یافتیم آنچه وعده کرده بود مارا رب ما، حق، آیا شما یافتید آنچه وعده کرده بود رب شما،

حَقًّا قَالُوا نَعْمَ فَاذْنِ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى

حق. میگویند بلی. پس آذان دهد مؤذنی بین آنها که لعنت الله باشد بر

الظَّالِمِينَ^{۴۴} الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

ظالمین * آنانکه باز میداشتند از سبیل الله و می جستند در آن کجی.

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ^{۴۵} وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ

و بودند بر آخرت کافران * و بین هر دو آنها باشد حجابی. و بر اعراف^۱ باشند

(۱) اعراف: بلندیکه بین حنت و دوزخ است.

رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسَيِّئِهِمْ ۚ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ

رجال، می شناسند کل را از سیمای آنها. و ندا کنند به اصحاب جنت که

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْبَعُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ

سلام بر شما - نشده اند داخل آن و باشند در طمع آن * و چون گردانند

أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ ۗ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ

چشمهای خود را بقاء اصحاب آتش گویند رب ما، نساز ما را معیت قوم

الظالمين^{٤٧} وَنَادَىٰ أَصْحَابَ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَ نَاهُمْ لِيَسِئَلَهُمُ

ظالمین * و ندا کنند اصحاب اعراف، رجال را که شناسند از سیما آنها،

قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تُسْتَكْبِرُونَ^{٤٨} أَهْلَ الْأَرْضِ

گویند "نکرد مستغنی شمارا جمع شما و بر آنچه میکردید تکبر * آیا اینها اند

الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا يَخُوفُهُ

آنانکه میخوردید قسم: نکند نایل آنها را الله برحمتی". "شوید داخل جنت نه خوف

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ

بر شما و نه شما میشوید محزون * و ندا کنند اصحاب آتش به اصحاب

الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا

جنت که "بریزید بر ما از آب یا از آنچه رزق داد بشما الله". گویند

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا

"یقیناً الله حرام کرده آنرا بر کافران" * آنانکه کردند اتخاذ دین خود را لهو

وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ

و لعب و فریب داد آنها را حیات دنیا. امروز فراموش کنیم آنها را چون فراموش کردند لقاء

يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ^(۵۱) وَلَقَدْ جِئْتُمُ

روز خود را، اینک، و آنکه بودند با آیات ما در جحد^۱ * و البته آوردیم به آنها

بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^(۵۲)

کتابی، تفصیل دادیم آنرا به علم، هدایت و رحمت بقومی که دارند ایمان *

(۱) جحد: انکار، نقص، ترك عقیده، پیمان شکنی.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ

آیا منتظرند الا تأویل آنرا؟ روزیکه بیاید تأویل آن میگویند آنانکه

نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ

فراموشش کرده بودند قبلاً، راستی آورده بود رُسُل رب ما حق را. آیا هست مارا کدام

شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ

شفاعتگری تا شفاعت کند از ما یا مسترد شویم تا کنیم غیر آنچه میکردیم عمل.

(۱) تأویل: تشریح، تفسیر، بیان، تعبیر

قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ^٤ ۵۳ إِنَّ

کردند خساره بنفسهای خود و گم شد از آنها آنچه میکردند افترا * یقیناً

رَبِّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

رب شماست الله آنکه خلق کرد سماوات و زمین را در شش ایام باز

اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا^١

مستولی شد بر عرش. میپوشاند شب نهار را، میکند طلب او را شتابان

(۱) مستولی: حکم فرما، غالب، برقرار.

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ ٱلَّهِ ٱلْخَلْقِ وَ

و شمس و قمر و نجوم مسخر اند به امر او. آیا نیست از او خلقت و

الْأَمْرُ تَبْرَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعٰلَمِیْنَ ﴿۵۴﴾ اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّ

امر. برکت باراست الله رب العالمین * کنید دعا رب خود را به تضرع و

خُفِیَةً ۙ اِنَّهُ لَا یُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِیْنَ ﴿۵۵﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِی ٱلْاَرْضِ

خفیه. بیشک او ندارد حب با سرکشان * و نکنید فساد در زمین

بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

بعد اصلاح آن وکنید دعا به او بخوف و طمع. بیشک رحمت الله

قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا

قریب است برای محسنین * و اوست ذاتیکه میکند ارسال باد را بشارت

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ

"پیش دست" رحمت خود. حتی که بردارد ابر ثقل را، سوق دهیم آنرا

يَبْدَأُ مَمِيَّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ط

بزمین مرده، باز نازل کنیم به آن آب، باز خارج کنیم به آن از کل ثمرات.

كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ

اینطور کنیم خارج مرده را، تا شما شوید متذکر * و زمین طیب کند خارج

نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ

نباتش را به اذن ربش. و آنکه خبث است نکند خارج إلا پوچ. اینطور

نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكِرُونَ^{٥٨} لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ

کنیم بیان آیات را بقومی که میکنند شکر * البته ارسال کردیم نوح را بقومش

فَقَالَ يَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ

وگفت یا قومم کنید عبادت الله را، ندارید شما کدام اله غیر او. من دارم خوف

عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ^{٥٩} قَالَ الْبَلَاءُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ

بر شما عذاب روز عظیم را * گفتند ملاء از قومش ما می بینیم ترا

فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَالَّةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ

در گمراهی مبین * گفت یا قومم نیست مرا گمراهی و لکن منم رسول

مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصُرُكُمْ لَكُمْ وَا

از رب العالمین * کنم ابلاغ بشما رسالات ربمرا و کنم نصیحت بشما و

أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن

دارم علم از الله آنچه ندارید علم * آیا تعجب میکنید که آمده بشما ذکری از

رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

رب شما بر مردی از شما که نذیر باشد شمارا تا کنید تقوا و شاید بشما شود رحم *

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ

کردند تکذیبش، دادیم نجات او را و کسان همراهِ او را در کشتی و کردیم غرق آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ

تکذیب کردند آیات ما را. اینها بودند قوم کور * و برای عاد برادر آنها

هُودًا ۱۰ قَالَ يُقَوْمِرَاعِبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ ۱۱ ط

هود را. گفت یا قومم کنید عبادت الله را ندارید شما کدام اله غیر او.

اَفَلَا تَتَّقُونَ ۱۲ قَالَ الْبَلَاءُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ اِنَّا لَنُرِيْكَ

چرا نمیکنید تقوا* گفتند ملاء کسان کافر از قومش ما می بینیم ترا

فِيْ سَفَاهَةٍ وَّ اِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۱۳ قَالَ يُقَوْمِرٰ لَيْسَ

در سفاهت و ما می پنداریم ترا از کاذبین* گفت یا قومم نیست

بِئْسَ فَهْمُهُ ۖ وَلِكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾ اُبَلِّغُكُمْ

مرا سفاهتی و لاکن منم رسول از رب العالمین * کنم ابلاغ

رِسَالَتِ رَبِّي ۖ وَاَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ اَوْ عَجِبْتُمْ اَنْ جَاءَكُمْ

رسالات ربمرا و منم بشما ناصح امین * آیا تعجب میکنید که آمد بشما

ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۖ وَاذْكُرُوا

ذکری از رب شما بر مردی از شما تا اخطار دهد بشما. و شوید متذکر

إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ

وقتی ساخت شمارا خلفاء از بعد قوم نوح و افزود بشما در خلقت،

بِصُّطَةٍ فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا

بقدرت. پس ذکر کنید آلاء^۱ الله را تا شما یابید فلاح * گفتند

أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

آیا آمدی بما تا کنیم عبادت الله واحد را و بگذاریم آنچه میکرد عبادت آباء ما.

(۱) آلاء: بخششها، نعمتها، آسایش، احسانات.

فَاتِنَابِمَا تَعِدُ نَأْنِ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۷۰﴾ قَالَ قَدْ وَقَع

بیاربرما آنچه دهی وعده بما اگر هستی * از صادقین * گفت اینک واقع شد

عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ

بر شما از رب شما رِجْسٌ و غضب. آیا جدال میکنید با من در اسماء،

سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ

مسما کردید آنرا شما و آباوی شما، نکرد نازل الله بر آن کدام حجتی.

(۱) رِجْسٌ: عقوبت بد، گندگی، ذلت، نفرین.

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿۷۱﴾ فَأَنْجِيَهُ وَالَّذِينَ

منتظر باشید منم باشما از منتظرین * دادیم نجات اورا و کسان

مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا

معیت اورا برحمت خود و قطع کردیم دنباله کسانیکه تکذیب کردند آیات مارا و نبودند

مُؤْمِنِينَ ﴿۷۲﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

مؤمنین * و برای ثمود برادر آنها صالح را. گفت یا قومم کنید عبادت الله را

مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ غَيْرُهُ ۗ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ

ندارید کدام الهه غیر او. البته آمد بشما بیانی از رب شما. اینست

نَاقَةٌ اللَّهُ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا

ناقه^۱ الله بشما نشانه، بگذارید او را بخورد در زمین الله و نکنید تماس او را

بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۷۳﴾ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ

بیدی میکند اخذ شمارا عذاب الیم * و ذکر کنید وقتی ساخت شمارا خلفاء

(۱) ناقة: شتر ماده.

مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا

از بعد عاد و جا داد شمارا در زمین تا بسازید در همواری هایش

قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْشُوا

قصرها و بکاوید در کوها بیت ها. باز ذکر کنید آلاء الله را و نکنید شرارت

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ

در زمین فساد کاران بوده * گفتند ملاء کسان متکبر از

قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ

قوم او بکسانیکه شمردند ضعیف، از آنکه آوردند ایمان از آنها، آیا دارید علم

أَنْ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾

که صالح است مرسل از رب خود. گفتند ما بر آنچه شده ارسال بر آن، مؤمنانیم *

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَفِرُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند کسان متکبر ما بر آنچه ایمان آوردید بر آن کافرانیم *

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِحُ آئِنَتَنَا

کردند پی ناقه را و سرکشی کردند از امر رب خود و گفتند یا صالح بیار بر ما

بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْبُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ

آنچه میدهی وعده بما اگر هستی از برسلین * پس اخذ کرد آنها را جنبشی

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَيِّينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ

وصبح آن در دیار خود بودند بر زانو * پس روگردانید از آنها و گفت یا قومم

لَقَدْ أبلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون

البتة ابلاغ کردم بشما رسالت ربم را و نصیحت کردم بشما ولاکن ندارید حب

النصحين^{۷۹} ولوطا اذ قال لقوميه اتاتون الفاحشة ما سبقكم

با نصیحنین * و لوط چون گفت بقومش آیا میکنید فحاشی، نکرده سبقت از شما

بها من احد من العالمين^{۸۰} انكم لتاتون الرجال شهوة

در آن کدام يك از عالمیان * همینکه می آئید بمردان بشهوت

مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ

بعوض زنان. نه! شما هستید قوم مسرفان * و نبود جواب

قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْبَاسُ

قوم او الا که گفتند کنید اخراج آنها را از قریه خود. اینها هستند مردم

يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۗ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾

طهارت پسند * دادیم نجات او را و اهل او را الا همسر او را، بود از عقب ماندگان *

(۱) يتطهرون: طهارت پسند، پاک دامن (استهزاء).

(۲) الغبرین: غبار بر سر از گرد قافله یا آتشفشان.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا ط فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٨٤

و باریدیم بر آنها بارانی. بکن نظر چگونه بود عاقبت مجرمین *

وَالِی مَدِیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ط قَالَ یَقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَکُمْ

و برای مدین برادر آنها شعیب را. گفت یا قومم عبادت کنید الله را، ندارید

مِّنْ اِلٰهِ غَیْرِهِ ط قَدْ جَاءَ تِلْکُمْ بَیِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّکُمْ فَاَوْفُوا التَّکْلِیْلَ

کدام اله غیر او. البته آمد بشما بیئنه از رب شما بکنید وفا پیمان را

وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

و میزان را و نگاهید از مردم اشیاء آنها را و نکنید فساد در زمین

بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَ

بعد از اصلاح آن. اینست بهتر بشما اگر هستید مؤمنین *

لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ

نه نشینید بکل راه‌ها وعید کنندگان^۱ و باز دارندگان از سبیل

(۱) وعید کنندگان: تهدید کنندگان یا وعده غلط و فریب دهندگان (ADVERTISEMENTS).

اللَّهُ مَنْ أَمِنَ بِهِ وَتَبِعُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا

الله هر که ایمان آورد برآن، و میجوئید درآن، و میجوئید درآن کجی. و متذکر شوید وقتی بودید،

فَكَثَّرَكُمْ وَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ

کرد کثیر شمارا و کنید نظر چگونه بود عاقبت مفسدین * واگر هست

طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا

طائفة از شما ایماندار بر آنچه ارسال کردم آنرا و طائفة نیاورده ایمان